

# حکمت عملی

از نگاه سه فیلسوف مسلمان فارابی، ابن سینا و ملاصدرا

دکتر محمد ذبیحی

تهران

۱۳۹۷



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۹	فصل اول: کلیات
۹	آشنایی با تعدادی از واژگان
۹	نفس
۱۱	عقل
۱۱	علم و فلسفه
۱۵	حکمت
۱۷	اصطلاحات ترکیبی
۱۸	حکمت عملی
۱۹	موضوع حکمت عملی
۲۱	مسائل حکمت عملی
۲۱	فایده و غایت حکمت عملی
۲۲	جایگاه حکمت عملی
۲۷	بازخوانی چند نکته اساسی
۳۰	پرسش
۳۰	مسئله‌ای برای پژوهش
۳۰	برای مطالعه بیشتر
۳۳	فصل دوم: فارابی (۲۵۹-۳۳۹ هجری قمری)
۴۰	انسان در نظام فلسفی فارابی
۴۲	انسان موجودی چند ساحتی

صفحه	عنوان
۴۴	از نگاه فارابی آدمیان چهار قسم‌اند
۴۷	قوای انسان
۴۸	توانمندی‌های نفس از نگاه فارابی
۵۲	نکات ده‌گانه درباره انسان
۵۴	ماهیت قوه ناطقه
۵۵	پرسش
۵۶	مسئله‌ای برای پژوهش
۵۶	عقل نظری و عملی
۵۷	یگانگی یا دوگانگی عقل نظری و عملی
۶۰	جمع‌بندی و ارزیابی
۶۵	درآمدی بر ضرورت غایت‌مندی موجودات
۶۷	غایت حیات انسان
۶۸	غایت زندگی از منظر فارابی
۷۳	پرسش
۷۳	مسئله‌ای برای پژوهش
۷۴	برای مطالعه بیشتر
۷۶	ماهیت سعادت از منظر فارابی
۸۲	توان انسان در کسب سعادت
۸۴	راه‌های کسب سعادت
۸۶	عوامل چهارگانه سعادت انسان
۹۱	جامعه و نقش آن در سعادت انسان
۹۱	همسانی مدینه با بدن انسان
۹۶	عوامل سه‌گانه اختلاف امت‌ها
۱۰۰	رئیس مدینه فاضله
۱۰۳	شرایط رئیس مدینه
۱۰۵	هماهنگی نظام اخلاقی با نظام تکوینی
۱۰۷	پرسش
۱۰۸	مسئله‌ای برای پژوهش

صفحه	عنوان
۱۰۹	فصل سوم: ابن سینا
۱۱۰	الف) روش فلسفی ابن سینا از آغاز تا فرجام
۱۱۶	ب) دیدگاه ابن سینا درباره حکمت عملی
۱۱۹	ابن سینا و تقسیم‌بندی علوم
۱۲۱	شناخت انسان
۱۲۳	ویژگی‌های انسان از نگاه ابن سینا
۱۲۴	ویژگی‌های نه‌گانه انسان
۱۲۸	نفس و بدن
۱۲۹	اثبات نفس
۱۳۰	دلیل نخست بر اثبات نفس
۱۳۱	دلیل دوم اثبات نفس
۱۳۲	تعریف نفس
۱۳۴	پیدایش نفس
۱۳۵	تجرد نفس از منظر ابن سینا
۱۳۹	نفس انسان حقیقتی مجرد و بسیط
۱۴۱	قوای نفس
۱۴۲	پرسش
۱۴۳	مسئله‌ای برای پژوهش
۱۴۳	عقل نظری و عملی از نگاه ابن سینا
۱۴۶	تعاریف عقل نظری و عملی از منظر ابن سینا
۱۵۶	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۶۳	عقل انسان
۱۶۴	اتصال نفس با عقل فعال
۱۶۶	پرسش
۱۶۶	مسئله‌ای برای پژوهش
۱۶۶	ماندگاری نفوس از نگاه ابن سینا
۱۶۸	درآمدی بر سعادت انسان
۱۶۹	تعریف و ماهیت سعادت از منظر ابن سینا

صفحه	عنوان
۱۷۶	حقیقت لذت
۱۷۸	اقسام لذت
۱۷۹	برتری لذت عقلی
۱۸۰	پرسش
۱۸۰	مسئله‌ای برای پژوهش
۱۸۰	درآمدی بر فلسفه سیاسی ابن سینا
۱۸۱	پرسش اساسی
۱۸۳	فلسفه سیاسی
۱۸۵	چهارگانه حکمت عملی
۱۸۷	انسان موضوع حکمت‌های چهارگانه
۱۹۱	مبادی مسائل حکمت عملی از منظر ابن سینا
۱۹۴	مبدئی دیگر برای مسائل اخلاقی
۱۹۸	توجیه دیدگاه ابن سینا
۲۰۰	تأملی دوباره پیرامون قضایای اخلاقی
۲۰۲	چاره‌اندیشی و نتیجه‌گیری
۲۰۳	نگاه دینی به گزاره‌های اخلاقی
۲۰۵	پرسش
۲۰۵	مسئله‌ای برای پژوهش
۲۰۵	درآمدی بر ضرورت و جایگاه وجود نبی (ص) در حکمت عملی
۲۱۷	قوه متخیله و نقش آن در نبوت
۲۱۹	پرسش و پاسخ
۲۲۴	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۲۷	ضرورت وجود نبی (ص) از منظر ابن سینا
۲۲۹	استدلال ابن سینا بر وجود نبی (ص)
۲۳۷	پرسش
۲۳۸	مسئله‌ای برای پژوهش
۲۳۸	برای مطالعه بیشتر
۲۵۱	فناى جهان مادى و بقای نفس

صفحه	عنوان
۲۵۳	تأملی دوباره درباره بساطت نفس
۲۵۶	پرسش و پاسخ
۲۵۷	فصل چهارم: ملاصدرا
۲۵۸	تعریف فلسفه
۲۶۱	سه نظام فلسفی جهان اسلام
۲۶۳	فلسفه مشاء
۲۶۳	فلسفه اشراق
۲۶۴	حکمت متعالیه
۲۶۸	ملاصدرا و حکمت عملی
۲۷۳	پرسش
۲۷۳	مسئله‌ای برای پژوهش
۲۷۴	پیدایش نفس انسان
۲۷۵	پیدایش انسان از منظر ملاصدرا
۲۷۷	استدلال ملاصدرا بر حدوث جسمانی نفس
۲۷۷	پیوند نفس و بدن
۲۸۰	یادآوری قوای نفس از نگاه ابن سینا
۲۸۲	قوای نفس از منظر ملاصدرا
۲۸۳	عقل نظری و عملی در حکمت متعالیه
۲۸۹	پرسش
۲۸۹	مسئله‌ای برای پژوهش
۲۸۹	اقسام حکمت نظری و علمی
۲۹۲	تفاوت‌های چهارگانه شریعت و سیاست
۲۹۲	مبدأ و غایت سیاست
۲۹۲	مبدأ و غایت شریعت
۲۹۴	فعل و انفعال در شریعت و سیاست
۲۹۷	محل حکمت
۲۹۸	مراتب عقل نظری

صفحه	عنوان
۲۹۸	عقل هیولانی
۲۹۹	عقل بالملکه
۳۰۰	عقل بالفعل
۳۰۱	عقل مستفاد
۳۰۲	مراتب عقل عملی
۳۰۳	تهذیب ظاهر
۳۰۳	تهذیب باطن
۳۰۳	تحلیه
۳۰۴	فنای نفس
۳۰۴	تناظر نظر و عمل
۳۰۵	کمال عقل نظری و عملی
۳۰۸	پیوند عقل نظری و عملی با حکمت عملی
۳۱۱	حکمت و تهذیب نفس
۳۱۴	پرسش
۳۱۵	مسئله‌ای برای پژوهش
۳۱۵	نبوت در حکمت صدرایی
۳۱۷	مقایسه مقام نبوت با سایر درجات انسان
۳۱۸	ویژگی‌های پیامبر
۳۲۰	چگونگی اتصال پیامبر (ص) به وحی
۳۲۲	شرایط رئیس اول
۳۲۳	ضرورت وجود نبی (ص) از منظر ملاصدرا
۳۲۴	پرسش
۳۲۴	مسئله‌ای برای پژوهش
۳۲۵	برای مطالعه بیشتر
۳۳۰	منابع برای مطالعه بیشتر
۳۳۱	منابع

## پیشگفتار

آگاهی بیشتر از گستره دانش، جداسازی حوزه‌های نظری و کاربردی علم، تبیین پیوند علوم با یکدیگر و از همه مهم‌تر دستیابی آسان‌تر به مسائل هر علم، پاره‌ای از اهدافی است که دانشمندان کوشیده‌اند در شروع هر علمی، موضوع، تعریف، فایده و غایت آن علم را بیان کنند. ضرورت و اهمیت آگاهی از موضوع، مسائل، غایت و فایده علم در دانشی همچون حکمت عملی که اساس و جوهره آن بر عمل استوار شده و هدف جوینده آن فهمیدن و در نهایت آراسته شدن به کمالات و دوری جُستن از افعال نادرست است، دو چندان است.

حکمت عملی یکی از دو شاخه علوم حقیقی است. علوم حقیقی در مقابل علوم اعتباری به دو قسم نظری و عملی تقسیم شده‌اند؛ سه‌گانه طبیعیات، ریاضیات و الهیات زیرمجموعه حکمت نظری و اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدن، شاخه‌های حکمت عملی‌اند؛ زیرا اموری (فضایلی) که بایسته انجام‌اند، اگر بایستگی انجام، مرتبط با فرد باشد، اخلاق، اگر الزام به انجام در گرو مشارکت صغری (خانواده) باشد، تدبیر منزل و اگر مبتنی بر مشارکت کبری (جامعه) باشد، سیاست مدن نامیده می‌شود.

تقسیم پیش‌گفته ارسطویی از علوم، بعدها در موارد متعددی مورد استناد فیلسوفان مسلمان قرار گرفت. فارابی در کتاب *التنبیه علی سبیل السعادة*<sup>۱</sup> و *فصول منتزعه*<sup>۲</sup> و پاره‌ای دیگر از آثارش و ابن سینا در بسیاری از آثار به جا مانده از وی

---

۱. فارابی، *التنبیه علی سبیل السعادة*، ص ۷۶.

۲. فارابی، *فصول منتزعه*، ص ۵۰.



از جمله کتاب *شفاء*<sup>۱</sup> و شیخ اشراق در کتاب *المشارع*، *المطارحات*<sup>۲</sup> و *تلویحات*<sup>۳</sup> و محقق طوسی در *تقد المحصل*<sup>۴</sup> و *صدر المتألهین در الاسفار الاربعه*<sup>۵</sup>، تصریح به این تقسیم نموده‌اند. البته به نظر می‌رسد با توجه به اشکالاتی که بر تقسیم ارسطویی وارد است، از جمله اینکه تقسیم وی از علوم جامع و مانع نیست، ابن سینا از تقسیم رایج ارسطویی عدول و در کتاب *منطق المشرقین* تقسیمی ابتکاری ارائه نموده است.<sup>۶</sup>

جدا از اشکالات تقسیم ارسطویی از علوم که باید آن را در جای خود پی گرفت، اصل و جوهره تقسیم یادشده و همچنین تقسیم ابتکاری ابن سینا، بر اساس توانایی‌های نفس انسان استوار است، چون تدوین و گردآوری دو دانش، نظری و عملی، برخاسته از دریافت‌های دو قوه عقل نظری و عملی است.

از این رو هر چند پیشینه تقسیم علوم را به دوران یونان باستان و ارسطو نسبت می‌دهند، لیکن به نظر می‌رسد فارغ از اصطلاحات، نام‌گذاری و مباحث کلاسیک، اصل باور به دو نوع دانش نظری و عملی، نشئت گرفته از قوای نفس انسانی و پذیرش دوگانه نفس و بدن است، چه اینکه دو ساحت مادی و روحانی انسان هر یک دارای کارکرد و نقش ویژه‌ای است، ساحت معنوی و به طور خاص قوای روحانی نفس با همراهی قوای حسی عهده‌دار اندیشه و تفکر است و بعد جسمانی انسان افزون بر خدمتگزاری آن به ساحت روحانی، ابزار ظهور و بروز عمل است.

۱. ابن سینا، *الشفاء*، الالهیات، ص ۳.

۲. شیخ اشراق، *مجموعه مصنفات*، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۹.

۳. همان، ص ۲ و ۳.

۴. طوسی، *تقد المحصل*، ص ۵۲۶-۵۲۸.

۵. ملاصدرا، *الاسفار الاربعه*، ج ۱، ص ۲۰.

۶. برای آگاهی از بعضی از اشکالات تقسیم ارسطویی و همچنین امتیازات تقسیم ابتکاری ابن سینا به کتاب *فلسفه مشاء با تکیه بر اهرام آراء ابن سینا*، محمد ذبیحی، ص ۱۹-۲۱، انتشارات سمت، مراجعه نمایید.

انسان آگاه و جستجوگر بدون هیچ الزام و توصیه‌ای از بیرون، تنها با تأمل در خود و دیگر موجودات، به طور بدیهی درمی‌یابد که همه دریافته‌ها و ادراک‌های عقلی او یکسان نیستند، چنان‌که تأمل درباره اینکه از کجا آمده است و سرانجام به کجا خواهد رفت و همچنین اندیشیدن درباره اینکه خالق انسان، آسمان، زمین و دیگر عظمت‌های هستی کیست با تفکر درباره اموری که می‌تواند انجام دهد یا در پی انجام آن است، نظیر درس خواندن، کسب معیشت و... همه از این نظر که مدرک انسان‌اند تفاوتی ندارند، لیکن از نظر متعلقات ادراکی تفاوت اساسی دارند، زیرا متعلقات دانش‌های نخست اموری خارج از اراده اویند، بدین معنا که خواه انسانی موجود باشد یا نباشد، مدرکات و متعلقات امور نظری به عنوان حقایق عینی وجود خارجی دارند، اما مدرکات نوع دوم در دایره قدرت انسان قرار دارند و تحقق عینی آن‌ها وابسته به عمل اختیاری انسان است.

به هر روی قبل از طرح تفصیلی مباحث حکمت عملی، اشاره به تفاوت متعلقات مدرکات نظری و عملی نفس، تأکید و یادآوری این حقیقت اساسی است که پیوند حکمت عملی با نفس انسان آن‌چنان عمیق و وثیق است که تصویر جدایی خارجی نفس و بدن از یکدیگر میسر نیست. به بیان روشن‌تر پیوند و ارتباط هر یک از نفس و حکمت عملی با یکدیگر به گونه‌ای است که با فرض نبود یکی از آن دو، سخن از دیگری گفتاری بی‌معناست؛ زیرا با نبود نفس پی‌جویی نمودن از کمالات ذاتی برای نفس امری منتفی به انتفاء موضوع است و بسیار بدیهی می‌نماید که چنانچه نفسی وجود نداشته باشد، سخن از کمالات آن بی‌معناست و در سوی دیگر وجود نفسی در خارج که فاقد هر گونه عمل و اندیشه‌ای باشد سخنی به غایت نادرست است، چرا که خارجیت و تحقق عینی نفس وابسته به تدبیر بدن است. به بیان دیگر نفس بدون عمل - عمل به معنای عام که شامل نظر هم بشود - در خارج تحقق عینی ندارد و چنان‌که در مباحث نفس خواهد آمد، حدوث نفس بدون بدن نیز امکان ندارد<sup>۱</sup> و

۱. ابن سینا، *التعلیقات*، ص ۱۳۲؛ *الشفاء*، کتاب النفس، ص ۲۰۲.

همچنین بقای بدن بدون تدبیر نفس تحقق خارجی ندارد.<sup>۱</sup> از این رو پیوند دو سویه نفس و حکمت عملی که در حقیقت ترجمانی از در هم تنیدگی موضوع حکمت عملی و مسائل آن است، واقعیتی غیر قابل خدشه است.

تفکیک ناپذیری حکمت عملی از حقیقت نفس در دنیا که از لحظه پیدایش نفس تا پایان حیات مادی همراه با یکدیگرند - و در نهایت ماندگاری و بقای نفس در آخرت نیز که با وصف آراسته شدن و عمل به همین مسائل حکمت عملی است، آن چنان مرتبتی به نفس انسانی داده است که فیلسوفان مسلمان - چنان که در آموزه‌های دینی بر آن تأکید شده است - معرفت نفس را هم طراز با معرفت خالق آن می‌دانند.

گویند در روزگاران کهن در بعضی از پرستشگاه‌ها چنین نوشته شده بود: «هیچ مکتوبی از آسمان به زمین فرود نیامد مگر آنکه در آن نوشته شده است: ای انسان خودت را بشناس که اگر خودت را شناختی، پروردگارت را خواهی شناخت»<sup>۲</sup>. شیخ الرئیس - ابن سینا - در بعضی از رساله‌هایش مطلبی نزدیک به این مضمون را نقل می‌کند که متقدمان مکلف بودند در معرفت خویش تعمق کنند به سبب وحی که از طریق صور جسمانی دریافت کرده بودند و مضمون آن چنین بود: «ای انسان خودت را بشناس تا خدایت را بشناسی»<sup>۳</sup>.

اشاره‌ای بسیار کوتاه به اهمیت و توانمندی‌های نفس و همچنین پیوند و تفکیک ناپذیری مباحث حکمت عملی از شناخت نفس و تحقق آن، در آمدی بود بر مباحثی که در این کتاب به آن‌ها پرداخته شده است.

#### درباره کتاب حاضر

۱. متن پیش رو به سفارش سازمان «سمت» به منظور متن درسی دو واحد

۱. ابن سینا، الشفاء، کتاب النفس، فصل چهارم از مقاله پنجم.

۲. ملاصدرا، مبدأ و معاد، ص ۲۳.

۳. ابن سینا، رسائل، ص ۱۵۸.

نظری درس حکمت عملی تدوین شده است. بدون تردید با توجه به گستردگی دانش حکمت عملی که یک بخش از دو بخش علوم حقیقی است و همچنین تعدد و تنوع دیدگاه‌ها درباره آن که بسیار گسترده و پر دامنه است، ارائه همه مباحث حکمت عملی افزون بر اینکه خارج از توان نگارنده است، امکان گنجایش آن در چهارچوب دو واحد درسی میسر نیست. از این رو ترجیح داده شد از بین فیلسوفان مسلمان به ارائه دیدگاه سه فیلسوف نامدار جهان اسلام، فارابی، ابن سینا و ملاصدرا بسنده شود و پرداختن به این سه فیلسوف به این دلیل است که ابن سینا و ملاصدرا هر یک مؤسس و بنیان‌گذار نظام فلسفی‌اند و مقدم بر دیدگاه این دو فیلسوف درباره حکمت عملی، دیدگاه فارابی است، فیلسوفی که جای جای آثار او نشان از این دارد که دل‌مشغولی اصلی وی مباحث حکمت عملی بوده است.

۲. حکمت عملی، اخلاق، سیاست مدن و تدبیر منزل است و با توجه به اینکه اخلاق پیوند قوه عاقله با شهوت و غضب است که در صورت فرمانبرداری شهوت و غضب از عقل، فضایل و در غیر این صورت، رذایل شکل می‌گیرد، گستره مسائل آن بسیار گسترده و متعدد است. از این رو در پژوهش حاضر به بیان پاره‌ای از مبانی حکمت عملی و ارائه مهم‌ترین مباحث آن با تکیه بر دیدگاه‌های سه فیلسوف بسنده شده است.

۳. سه فیلسوف مورد گفتگو پیرامون حکمت عملی نکات اشتراک و افتراق بسیاری دارند که در پاره‌ای از موارد بیان تفصیلی، گزارش، تحلیل و در نهایت ارزیابی و داوری، حتی یک مسئله از مسائل حکمت عملی به تنهایی خود تحقیقی مستقل می‌طلبد؛ نمونه نگرش سه فیلسوف درباره وحی، کیفیت آن، نقش و کارکرد قوه متخیله و... از این رو کسانی که در صدد آگاهی بیشترند با توجه به ارجاعات مکرر در هر مورد و ارائه منابع، تفصیل مباحث را خود می‌توانند پی‌جویی کنند.

۴. برای دوری جستن از تکرار و افزایش حجم کتاب، در مسائلی نظیر مسئله نفس که هر سه فیلسوف درباره آن به تفصیل سخن گفته‌اند و مباحث آنان در

بسیاری از موارد یکسان است، با توجه به اینکه ابن سینا مباحث نفس را در کتابی مستقل - نفس شفاء - به طور منسجم تدوین نموده است، تنها به بیان دیدگاه ابن سینا اکتفا شده است.

۵. بیان و ارائه‌های بسیاری کوتاه از فضای فکری و بستر اندیشه‌ورزی هر یک از سه فیلسوف مورد گفتگو در راستای این باور جدی است که تحلیل و ارزیابی و در نهایت داوری درست، پیرامون آراء و دیدگاه‌ها، جز با آگاهی از مبانی، روش و محیط فکری صاحب رأی، ممکن نیست. از این رو توصیه می‌شود، قبل از پرداختن به مطالعه و بررسی دیدگاه‌ها، تا حدودی درباره آبخور فکری و چگونگی اندیشه‌ورزی فیلسوف مطالعه شود.

۶. در نگاه نخست شاید چنین به نظر آید که بیان پاره‌ای از مسائل نظیر بحث نفس، قوای آن و به طور کلی شناخت انسان، چندان ضرورتی ندارد، در حالی که باید توجه داشت از منظری که این کتاب به طرح مباحث حکمت عملی پرداخته است و ضرورت آن را برخاسته از حقیقت انسانی می‌داند، نه تنها پی‌جویی از شناخت انسان و قوای او مسائلی غیر ضرور نیستند، بلکه آگاهی و شناخت آن‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است، چون بیان و اثبات این ایده که پایبندی به حکمت عملی، الزامی درونی است نه تحمیلی از بیرون، تنها در فرضی صورت تمام می‌یابد که باور نماییم انسان به عنوان یکی از واقعیت‌های هستی، موجودی است دارای قدرت فراگیری، مسئولیت‌پذیری و در نهایت پذیرش این واقعیت که انسان توانایی بر تغییر خود دارد.

۷. نکته سزاوار تأمل و تأکید بسیار این است که در درس‌هایی نظیر حکمت عملی، افزون بر آموزش و فراگیری که امری بایسته است، هدف اصلی و اساسی از یادگیری، پایبندی و باور قلبی به آن‌هاست، در غیر این صورت یادگیری مسائل حکمت، بدون التزام عملی جز انباشت اصطلاحات بهره‌ای دیگر برای انسان ندارد. از این رو نگارنده همواره کوشیده است در بیان هر مسئله‌ای با استفاده از

آراء فیلسوفان، آن را همراه با استدلال و تبیین عقلانی با تکیه بر نهاد همگانی - عقل - ارائه نماید و این نکته را روشن و مبرهن سازد که پایبندی به حکمت عملی، الزامی درونی و برخاسته از سرشت انسانی و همگام با فطرت و مورد حمایت عقل انسانی است.

۸. پژوهش حاضر را استادان ارجمند آقایان دکتر احمد احمدی و دکتر محسن جوادی مطالعه و نکات سودمندی را بیان نمودند که جای سپاس و امتنان بسیار دارد. در عین حال نویسنده اعتراف می‌کند با توجه به ویژگی مباحث حکمت عملی، به ویژه آنجا که همراه با نقد و داوری است کاستی امری طبیعی می‌نماید و انتظار می‌رود استادان محترم و پژوهشگران گرامی با اظهار نظر بر غنای کتاب بیفزایند.

۹. پس از ارائه متن نهایی استاد محترم آقای دکتر احمد احمدی در بازبینی و مطالعه مجدد، نکاتی شکلی و محتوایی را بیان نمودند، که بسیاری از آن‌ها انجام شد و در خصوص حذف پاره‌ای از مباحث که از نظر ایشان غیر ضروری یا فراتر از سطح آموزشی می‌نمود موارد یادشده، برای کسانی که مایل به مطالعه و آگاهی بیشترند با علامت ستاره در بخش پایانی همان بحث ارائه شده است.

۱۰. در نهایت از همه همکاران علمی و استادان محترم به ویژه آقایان دکتر احمد احمدی، دکتر محسن جوادی و استاد فرهیخته، جناب آقای محمدحسین حشمت‌پور که به جد می‌توان گفت نمونه عینی آراستگی به حکمت عملی اند سپاس و امتنان دارم. همچنین وظیفه خود می‌دانم از مدیر محترم دفتر سازمان «سمت» در قم، آقای دکتر حمیدرضا خادمی، که همواره پیگیر و مشوق اینجانب بودند، ابراز تشکر و سپاس نمایم.

محمد ذبیحی

آذر ۱۳۹۵